دکتر داوود مدنی
استادیار دانشگاه ازاد اسلامی واحد خمین
دکتر محمّد خسروی‌شکیب
استادیار دانشگاه لرستان

نشانه‌شناسی زبان در شعر کودک

چکیده

تجلّی شعرکودک، همچون هنر شعر حوزهٔ بزرگسال، در زبان و ساختار خاص آن است؛ امّا تمایز شعر کودک، از شعر بزرگسال، در ضرباهنگ و موسیقی سرشار همراه با ریتم تند زبان، استفاده از دست‌مایه‌های زبانی نشاط‌انگیز، کنش تصویری بالا، بیرونی بودن زبان، استفاده از مکان و محیط بیرونی در شخصیّت‌پردازی مطلق، یک‌پارچگی و عدم فاصله‌گذاری و حذف در خط روایی شعر، تک آوایی بودن زبان شعری در محور عمودی، کوتاهی و مقطوع بودن زبان در محور افقی، ترجیح زبان بر پیام، از نشانه‌های مربوط به حوزهٔ تفکیک شده شعر کودک است. غنای موسیقیایی شعر کودک بسیار پیچیده و دشوارتر از کاربرد صحیح دیگر عناصر زبانی است؛ چراکه استخدام درست و آگاهانه عناصر موسیقیایی در شعرکودک نیازمند دقّت، حوصله و از همه مهمتر تسلط و درک درست از زبان کودکانه می باشد. این مقاله در خدمت تشریح و بازکردن مهمترین نشانه (ویژگی)های زبانی شعر کودک قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی:
نشانه شناسی، شعر کودک، عناصر زبان، موسیقی زبان، کنش تصویری .

مقدّمه

عنوان «شعر کودک» پیچیده و نیازمند تعمّق است. این پیچیدگی از یک طرف، از معنی واژه «کودک» و از طرف دیگر از ساختار پیچیدهٔ هنر «شعر» ناشی می‌شود. بدون شک واژهٔ «کودک» و «خردسال» شعر را مقیّد به قواعد و اصولی خاص می‌کند، که تخطّی از آن‌ها به مثابهٔ فاصله گرفتن از هدف غایی شعر، جهت پرورش ذهن کودکانه است. شعر با هر صفت و قیدی که به کار رود خود دارای فرم، ساختار و عناصر چندگانه و پیچیدهٔ دیگری است. پیچیدگی شعر از آن جا ناشی می‌شود، که شعر، زبان را به صورت خاص و غیر از زبان روزمره به کار می گیرد. به قول یاکوبسن «شعر، هجومی سازمان یافته بر زبان است» (ترنس، ۱۹۸۹: ص ۱۴۴) واضح است که زبان، هنگامی که به عنوان مهمترین ابزار هستی بخش به شعر کودک به کار می‌رود، علاوه بر عناصر نحوی، واژگانی، زیر ساخت، روساخت، دارای نظام‌های دیگری همچون نظام آوایی نیز هست، که درجهت روشن شدن و درک بعضی جملات، به کودک کمک می‌کنند. همان طور که بدون کاربرد درست حداقل چند قاعده دستوری، کودک قادر به جمله سازی نیست، بدون توجه به عناصرآوایی، درک بعضی جملات نیز برای کودک بسیار دشوار خواهد شد. (هالین ۱۹۸۴: ص ۱۶) شعر کودک در نتیجه تلفیق نظام نشانه‌های زبانی، موسیقی، تحرک هجاها، آواها و ... به وجود آمده است، که قابل تجزیه‌اند. بنابراین در ساختار هنر شعر هر یک از نظام نشانه‌ای تشکیل‌دهنده آن نه تنها در خود فعالیّت دارند بلکه در بافت کلی شعر نیزانجام وظیفه می‌کنند، لاجرم هر یک از نظام‌های نشانه‌ای در صورتی مؤثر عمل خواهند کرد- یعنی در صورتی درخدمت پرورش ذهن کودک خواهند بود- که بیشترین سازگاری را با بافت پیرامونشان داشته باشند. پس هدف مشترک نظام‌های نشانه‌ای دخیل در ساخت یک شعر، یعنی زبان، موسیقی، نظام هجاها، آواها، دال‌ها و مدلول‌ها و... همان چیزی است، که غالبا پیام شعری خوانده می‌شود. گذشته از عملکرد تلفیقی این نظام نشانه‌ای، آنچه باعث پیچیده شدن شعر و کندی روند فهم آن می‌گردد، درک این حقیقت است که هر یک از این نظام‌های درونی آیا صریح و ارجاعی عمل می‌کند یا استعاری و غیر ارجاعی؛ شک نیست در شعرهایی که مخاطب آنها کودکان

می‌باشند، بایستی مفاهیم و واژه‌های زبانی آن، به نحوی صریح و روشن به کودک انتقال یابد. به منظور انتقال درست پیام سادهٔ واژه‌ها، ما باید بیشتر به زبان شعرکودک توجّه کنیم؛ چراکه عناصر زبانی، مهمترین عناصری هستند، که محور دریافت‌های کودکانه را تحت تاثیر قرار داده و سازماندهی روحی و روانی او را تحت تسلط قرار می‌دهند. زبان شعر کودک، به دلیل جوانی و عدم انسجام و تمرکزدهی و الگودهی؛ هنوز از زبان منسجم و هدف‌داری برخوردارنشده است، و اگر شاعران این گروه سنی تصادفاً به نشانه‌ایی رسیده‌اند، منتقدان سعی در پرورش و گردآوری آنها نکرده‌اند. در حالی که با منسجم کردن عناصر و نشانه‌های زبانی شعر کودک و کدبندی آنها همچون رمزهای عرفانی، می‌توان برای انتقال و القا درست مفاهیم ساده در ذهن کودکان به توفیق و جایگاهی دست یافت. ***این مقاله تلاشی است برای سازماندهی و ارایه ویژگی‌ها و نشانه‌های تفکیک شده زبان شعر کودک، به منظور بالابردن آگاهی شاعران این گروه سنی در مسیر غنی‌سازی زبان.***

شعر کودک و موسیقی زبانی

برجسته‌ترین ویژگی شعر که نماینده تعلّق این‌گونه شعرها به حوزه تفکیک شده شعرکودک است، استفاده از عنصر موسیقی (music) در ساخت این‌گونه شعرهاست. شاعر شعر کودک، گویی یک‌بار خود را در موضع ساخت شعر قرار می‌دهد و یک‌بار دیگر، در موضع غنی‌سازی وساخت موسیقی آن. از این‌رو در شعرهایی که برای آنها جز کودکان مخاطبی نمی‌توان فرض کرد، کفّهٔ میزان دیگر عناصر زبان به نفع موسیقی، سبک می‌شود، در این‌گونه شعرها، موسیقی از شعر و زبان شعری جدا شده، هویّت و استقلالی خاص و مضاعف جهت القای پیامی ساده به خود می‌گیرد.

... بیدار شو بیدار / بچه‌ها بهار / دارند می‌روند
دارند می‌پرند / زنبور از لونه
بابا ازخونه / همه پی کار / بچه‌ها بهار *(نیما یوشیج، ۱۳۷۱: ص۱۵۴)*

در این پاره شعری- با عنوان بهار- زبان به نفع موسیقی بسیار ساده و ابتدایی شده است. گویی پیام و زبان در برابر موسیقی رنگ رخ باخته است. در اینجا گوش و هوش موسیقیایی کودک است که از دلالت‌های زبانی بهره می‌برد. زبان در اینجا تسلیم موسیقی شده است، و موسیقی باعث تحرّک و سرعت فوق‌العاده زبان در جهت پرورش ذهن کودک شده است، تا جایی که شبکه زبانی در کام عناصر موسیقیایی و تراکم آنها در افتاده است.

در شعرهایی که برای کودکان سروده می‌شود، باید بسامد عناصر موسیقیایی بالا باشد. موسیقی حاشیه‌ای، که همان ردیف و قافیه کلاسیک است، بایستی در شعر کودک رعایت شود؛ چرا که وجود قافیه و ردیف برای حفظ و نگهداری شعر در حافظه کودکان مؤثر است. کلمات در شعر کودک هر چند بیشتر هماهنگ و هم شکل باشند و از تکنیک مجاورت برخودار باشند، سرعت و آهنگ بیشتری برای تثبیت در ذهن مخاطب می‌یابند. «ذهن آدمی با شنیدن یک شعر، بعد که بخواهد آن را از حفظ بخواند دربسیاری از موارد از قافیه کمک می‌گیرد، یعنی از یادآوری کلمات هماهنگ و هم شکل.» (کدکنی، ۱۳۷۶: ص ۸۴) این همان مدد رساندن به سرعت روند انتقال و ثبیت شعر به ذهن کودک است. پس رعایت موسیقی کناری – قافیه و ردیف- در اشعار کودکان ضرورت پیدا می‌کند. با دقّت در شعرهای حفظ شده توسط بیست کودک دریافت شد، که هیجده نفر از آنها، از موسیقی حاشیه‌ای غنی شده برخوردار بودند، و این نشانگر این حقیقت است، که شعرهای کلاسیک و مردف و مقفا، پتانسیل مضاعفی جهت تثبیت درحافظه کودک به همراه دارند. در شعر «بهار» عناصر موسیقیایی، چون تکرار – تکرار صامت، تکرار واژه، تکرار مصرع – قرینه سازی در محور عمودی و افقی زبان، وزن عروضی، قافیه، تکرار مصرع به عنوان ردیف نیمایی و غنی شده، کوتاهی، توقف و مکث توصیفی، شکست زبان و ... همه در جهت غنای موسیقیایی این پاره شعری و هدایت آن تا ذهن کودک ایفای نقش می‌کنند؛ به طوری که زبان را به شبکه‌ایی از عناصر موسیقیایی مطلق (Absolute music) تبدیل کرده است، که مستقل از پیام سبک شعری عمل می‌کند و خود الهام آور است و احساسات و عواطف کودکانه راه بیدار می‌کند. در کل، شعرهایی که در آن پیام شاعر برای پرورش ذهن مخاطب ضعیف است یا ذهن و درک مخاطب برای هضم پیام انرژی لازم را ندارد، عناصر موسیقیایی

پادرمیانی می‌کنند و در جهت ترمیم افت ایدئولوژیکی شعر، انگیزش و هیجانات عـاطفی را از طریق غنای موسیقیایی زبان ایجاد می‌کنند. "لالایی‌ها" اولین شعرهایی هستند که فقط به خاطر آهنگ موسیقی، برای کودکان خوانده می‌شوند.«لالایی ارتبـاط عـاطفی از طریق آهنگ را بین مادروکودک برقرار می‌کند و بـه او آرامـش مـی‌بخـشد و او را بـرای پذیرش آهنگ موسیقی آماده و تربیت می‌کند.» (حجـازی، ۱۳۷۹: ص ۱۸۸) «موسیقی شعر دامنه پهناوری دارد گویا نخستین عاملی که مایه رستاخیز کلمه‌ها در زبان شده و انسان ابتدایی را به شگفتی واداشته است، همین کاربرد موسیقی در نظام واژه‌ها بـوده اسـت.» (کدکنی،۱۳۷۶: ص۸) از این رو ضرورت موسیقی غنی در نظام زبان شعر کـودک، حقیقتـی انکار ناکردنی است. همه سرودها و آهنگ دایـه‌هـا جهـت پـرورش ذهـن کـودک حتـی دردوران نـوزادی، خـود حـاکی از ایـن حقیقـت اسـت کـه موسـیقی و ذهـن و هـوش موسیقیایی، با فطرت نوزاد و کودک آمیخته است. پس جهـت ارایـه و القـای پیـام‌هـای سبک و ساده به کودک با نظـام واژه‌هـا در شـعر، ضـرورت حـداکثر اسـتفاده از عناصـر موسیقیایی را، ایجاب می‌کند. مطابق نظریه سمبولیست‌ها مـی‌تـوان گفـت کـه، وظیفـه اصلی زبان در شعرکودک القای هیجان و عاطفه مجرد است، به صورتی کـه در موسـیقی صرف یافت می‌شود. در واقع لفظ و کلمه در شعرکودک ابزاری است، برای ارایه احـساس و عاطفه تا پیام و ایدئولوژی، از این روست، که الفـاظ ارزش خـاص موسـیقیایی دارنـد و صامت و مصوّت‌های زبان با زیر و بم خود در جهت آهنگ بخشیدن و غنای موسـیقیایی عمل می‌کنند، تا حمل تفکّرات و تعهّدهای دیگر. (جفرسن، ۱۹۸۹: ص ۱۱۳)

شعر کودک و کنش تصویری زبان

یکی دیگر از ویژگی‌های زبان شعری کودک، کـنش تـصویری بـالای عناصـر زبـانی، جهت القای پیام به نحو مناسب از طریق تجسّم منسجم می‌باشد. کودک با پرورش ذهن خود در جدال با نشانگان ساده زبانی و از طریق دست‌یابی به تصاویر سـاده، بـا محتـوا و پیام آشنا می‌شود. بنابراین هر پیامی که بواسطه دلالت‌های ساده و ارجـاعی زبـان بـرای کودک القا می‌شود بایستی با کنش متناسب و ساده تصاویر ذهنی و تـداعی و همخـوانی منسجم کودک همراه شود، تا بتواند درک کودک را تحت تأثیر قرار دهد. تمام شـعرهای

موفّق در مورد کودکان، شعرهایی هستند، که با پرورش و دست‌کاری ویژه زبان و وصلت آن با عناصر تصویری، مفاهیم کاملاً عقلانی و یا حسی را با نشانگان ساده زبانی بر ذهن کودک تحمیل می‌کنند.

خدا، خدای مهربان خدای خوب و آشنا!
خدای چشمه و چمن خدای سبزه زارها!
کسی که بال می‌دهد به این پرنده‌ها تویی
کسی که باز می‌کند زبان جوجه را تویی!
تویی که داده‌ای به من زبان و پا و دست و سر...

(فارسی دوم دبستان، ۱۳۸۲: ص۶)

پیام شعری در این پاره، معرفی خداوند است، که اندیشه‌ای کاملا انتزاعی و مجرد است. شاعر با استفاده آگاهانه از واژه‌های تصویری چون چشمه، چمن، سبزه، بال، پرنده، جوجه، پا، دست، سر و زبان، سعی در محسوس کردن و القای پیام داشته است. استفاده از واژه‌های در دسترس کودک، به تصویری کردن زبان و تقویت درک ذهنی کودک کمک کرده است. در شعر «یار مهربان» از عباس یمینی‌شریف دقیق می‌شویم :

من یار مهربانم دانا و خوش بیانم
گویم سخن فراوان با آن‌که بی‌زبانم
پندت دهم فراوان من یار پند دانم
من دوستی هنرمند با سود و بی‌زیانم
از من مباش غافل من یار مهربانم

(فارسی دوم دبستان، ۱۳۸۲، ص ۱۶)

در شعر بالا عناصر تصویری زبان بسیار پایین می‌باشد. شعر بالا اگرچه یکی از موفّق‌ترین شعرهای حوزهٔ ادبیات کودک می‌باشد ولی عناصر تصویری زبان شعر، درجهت تقویت گیرنده کودک پایین و صفر می‌باشد. واژگانی چون «مهربان، دانا، خوش بیان، پند، دوستی، سود، زیان، غافل» همه از واژه‌های غیر تصویری و به عبارت واضح‌تر،

اسم معنی هستند. عدم تقیّد به واقعیّت نمای و استفاده از جغرافیای مشخص و محدود اطراف کودک و عناصر بیرونی، شعر را کاملاً مجرد و انتزاعی جلوه داده است. از این رو ارتباط کودک با این شعر مربوط به حوزه موسیقیایی و قرینه‌سازی زبان شعر است. واژه‌ها و نشانگان زبانی شعرکودک، ممکن است قابلیّت کنش تصویری نداشته باشند، یعنی این‌که برخی مفاهیم هستند، که قابلیّت نمایش دادن و مانور آنها به واسطه نشانگان زبانی امکان پذیرنیست. به عبارت دیگر کنش بیرونی این واژه‌ها به واسطه هجاهای زبانی پایین است. مثلاً نمی‌توان واژه‌ای مثل شیطان و جهنم را بواسطه زبان به کودک در شعر القا کرد. امّا این مفاهیم با مفاهیم و واژه‌های دیگر ارتباط مستقیم دارند که کودک با آنها آشنایی دارد. مثلاً درد و غم و زشتی و گرسنگی را درمی‌یابد و می‌توان آنها را از ملزومات جهنم قرار داد و در القای درست پیام شعر به ذهن کودک مدد جست. می‌توان از قانون «جفت‌های متقابل» استفاده کرد و در تحمیل درست پیام از ملایمات متضاد با آن استفاده کرد؛ چرا که معنی حاصل تمایز است. یعنی در القای درست مفهوم جهنم از واژه‌ای مثل بهشت استفاده کرد و با قرار دادن بهشت در برابر جهنم به درک درست و متقن برای کودک کوشش کرد. خلاصه می‌توان از طریق بسط و ترکیب مفاهیم جهت القای مفاهیم دیگر به ذهن کودک سود جست. این همان بحث نشانه شناسی زبان شعر کودک است، که در عرصه هنر مربوط به کودک به خصوص شعر ضرورت پیدا می‌کند.

پس کودکان در عرصه زبان- بخصوص زبان شعری- برای درک درست و شناسایی دیگر ارجاعات زبانی به نشانه‌هایی- درست مانند تلقی عارفان و صوفیان از خد، خال، زلف در شناخت خدا که حقیقتی مجرد و محض است- نیاز دارند، که در روان شناسی به آگاهی اولیّه و غریزی و یا بدوی تعبیر شده‌اند، و کودک از طریق این نشانه‌ها، یا آگاهی‌های اولیّه و غریزی است، که با دیگر واژه‌ها و مقوله‌های جدید آشنا می‌شود. این نشانه‌ها به کودک فرصت بررسی و تامّل را می‌دهد تا از طریق ذهن و تخیّل برای چیدن ارتباط بین این موارد فعّال شود. درست مانند کودکی که با چیدن یک معمّا یا چیستان به تلاش می‌افتد و انگیزه نشان می‌دهد. آنچه برای شاعر- در سنین کودک- ضرورت دارد، آشنایی با نشانه‌های اولیّه ذهنی این گروه سنی و تبدیل ارجاعات و نشانگان اندیشگون زبان به این کدها و نشانه‌های آشنا، جهت حمل پیام سبک شعری می‌باشد.

بسیاری از شاعران این گروه سنی از واژه مادر زیاد استفاده کرده‌اند- شاید ناآگاهانه- و برای نشان دادن مفاهیم دیگری مانند عشق، آسمان، اعتماد، فداکاری، دلسوزی، و آرامش، استفاده کرده‌اند. در واقع یک نشانه ابتدایی و در دسترس مانند مادر، به منشوری چند پهلو جهت ارایه مفاهیم گوناگون تبدیل شده است. البتّه اگر شاعر بتواند تناسب و پیوندی قابل قبول بین این نشانه‌ها برقرار کند. پس به قول موور «فراگیری زبان نتیجه تقلید یا حاصل نشانه آموزی است». (موور، ۱۹۶۰: ص ۱۹۶) شاعر آگاه به مخاطب شعر خود، می‌تواند با استفاده درست از نشانگان زبانی- یا زبان نشانگان- ذهنی‌ترین مفاهیم را برای کودک، پذیرفتنی و ملموس و تصویری کند. خلاصه هر چه قدرت القایی نشانگان زبانی در شعر کودک تصویری باشد، قدرت و انرژی حافظه کودک جهت حفظ و به خاطر سپردن شعر بالا می‌رود؛ چراکه دراین هنگام ذهن کودک منفعل‌تر است و القای مفاهیم ساده با کنش تصویری به صورت تحمیلی صورت خواهد گرفت. ناگفته نماند، هر نشانه در شعر کودک می‌تواند دارای ابهام باشد، یعنی برای تعریف و القای مفهوم جهنم از هر واژه‌ای که استفاده کنیم، می‌تواند خود برای کودک نوعی نشانه باشد؛ چراکه دایره آگاهی و کنش فراگیری مفاهیم برای کودک تنگ است. به قول ژاک دریدا «بدین سان هرگز معنای کامل به دست نمی‌آید؛ تنها تمایز وجود دارد و فاصله». (احمدی، ۱۳۷۰: ص ۲۴)

شعر کودک و بیرونی بودن زبان

یکی دیگر از نشانه‌های زبان شعرکودک بیرونی بودن آن است. عناصر زبانی در شعر کودک از درون و عمق فاصله گرفته و خود را درسطح بیرونی زبان جلوه می‌دهند. زبان شعر بزرگسال با استفاده از صور خیال، عمق پیدا می‌کند و در نتیجه زبان خواص می‌گردد و از حوزه مخاطبان کودک خارج می‌گردد و مخاطبان خاص می‌طلبد. اما زبان شعر کودک مانند نثر از سطح درونی به سوی سطح بیرونی، جهت ملموس شدن با ذهن کودک در حرکتند، در نتیجه عناصر درونی کردن شعر وجود ندارد. بنابراین حرکت به سمت کاربردهای استعاری در هر یک از لایه‌های نظام نشانه‌ای، به پیچیده شدن نهایی شعر و در نهایت فاصله گرفتن از هدف نهایی شعر کودک می‌انجامد. از این‌رو شعر

کودک باید جلوه‌ای بیرونی و صریح و لحنی رئالیستی و دور از تجرید به خود گیرد و ابعاد خود را جز بعد صریح و ظاهری از دست دهد.

باز باران / با ترانه / با گهرهای فراوان
می خورد بر بام خانه / یادم آرد روز باران
گردش یک روز دیرین / خوب و شیرین
توی جنگل‌های گیلان / کودکی ده ساله بودم...

(فارسی چهارم دبستان، ۱۳۸۲: ص ۹۹)

شعر «باران» یکی از موفّق‌ترین شعرهای حوزه شعر کودک است، که لحن رئالیستی و دور از تجرید آن به همراه زبانی بیرونی و دور از کاربردهای استعاری، عامل مقبولیّت آن گردیده است. در این پاره شعری جز «گهر» که کاربرد استعاری از آن مورد نظر شاعر بوده است، زبان کاملاً سطحی و بیرونی است و توسط یک خواننده خردسال، به راحتی درک و مصرف می‌گردد. در شعر «باران» ما، بینشِ کودکانه را احساس می‌کنیم؛ چرا که هجاهای زبانی به راحتی، بدون واسطه، کودکانه و غیر دراماتیک با جهان و اشیا و پدیده‌های پیرامون ارتباط برقرار می‌کنند. بیرونی بودن زبان در معنای اندیشگون بودن شعر است. در شعر کودک ابتدا اندیشه پا در میانی می‌کند و بعد ساخت و روند سرایش شعر آغاز می‌شود؛ بدین معنا که الهام و القا در ساخت شعر کودک چندان معقول نیست. شعر کودک بیش از هر چیز به دست‌کاری و تراش زبان نیاز دارد؛ چرا که ساخت شعر کودک، ظرافت و اصول و قواعد پیش اندیشه و پیش ساخته دارد، که تعقّل و تامّل بر روی این اصول و قواعد، استاندارد این‌گونه اشعار را توجیه و تضمین می‌کند.

شعر کودک و شخصیّت‌پردازی و محیط‌گرایی در زبان

دو عنصر مهم دیگر که باید در شعر مربوط به حوزه کودک رعایت شود، شخصیّت‌پردازی و استفاده از محیط است. شخصیّت‌پردازی به واسطه حیوانات و پرندگان و پدیده‌های طبیعی با نشان دادن خصوصیت بیرونی این کارکترها و تأکید بر جنبه بیرونی (visual) جهت تحمیل پیام سبک، مهم است. شخصیّت در شعر کودک از ویژگی مطلق بودن برخوردار است؛ یعنی این کارکترها یا خوب هستند یا بد؛ چرا که

ذهن کودک انرژی و توانایی لازم جهت شناخت، جز دو قطب مطلق را نـدارد. مهمتـرین دغدغه شاعر در این مطلق نگری، تطابق بُعد واژه‌ها و شخصیّت‌ها بـا مـصداق درسـت از جهان بیرونی، جهت ملموس کردن آن با ذهن کودک است. ایـن حـساسیّت نـسبت بـه انتخاب واژه‌ها و شخصیّت‌های شعری است، که به‌تـدریج کـودک و ذهـن او را در مـسیر پرورش برای زندگی و آگاهی آماده می‌کند. مکان و محیط بیرونـی مهمتـرین وسـیله‌ای است، در دست هجاهای زبانی جهت حمل بار پیام سبک برای کودک. شاعر می‌توانـد بـا استفاده از محیط باز و بیرونی جهان به عنوان ذخیره‌ای تمام نشدنی جهت باروری ذهـن کودک مدد بگیرد. بهره‌برداری ازهستی بیرون از شعر، می‌تواند در جهت بیرونـی کـردن زبان شعر کودک مفید باشد. سایپر استفاده از محیط فیزیکی را یکـی از منـابع و ذخـایر غنی برای اسـتفاده شاعر در، حوزه شعر کودک معرفی می‌کند. (سایپر، ۱۹۸۹، ص ۴۷)

دست من، / دست تو، / دست او

یک درخت / رود و پل/ چند قو

دشت و کوه / آسمان / لاله‌ها / گله‌ای

می چرد / بی صدا / روستا / خانه‌ها...

(صمصامی،۱۴۷۷: ص۱۹)

در شعر «دست من» حقیقت خارجی یاهمان محیط بیرونی – به معنای وسیع کلمـه – بی‌آن‌که ارزش لازمه بیرونی خود را از دست بدهد، همواره پایه اصلی مـسیر پیـشرفت شعر قرار گرفته است. پایه‌ایی، که مضمون شعر از آن شـروع مـی‌شـود و بـرای دریافـت نتیجه و پایان نیز به آن بازمی‌گردد.

شعر کودک؛ یک‌پارچگی معنا

از دیگر ویژگی‌های زبانی شعرکودک یک‌پارچگی معنایی شعر اسـت، بـه طـوری کـه خط روایی شعر نباید دارای شکاف معنایی باشد. کودک دگرگونی‌هـای ناگهـانی را درک نخواهد کرد. هجاها در شعر کودک باید در خدمت هم‌دیگر باشند و هر هجایی در دلالت معنایی خود به آشکار شدن معنای لفظ بعد از خـود کمـک کنـد. بـه طـوری کـه هـیچ کلمه‌ای از زنجیره معنایی زبان منفک نشده باشد و همه درخدمت القای پیام سبک شعر

به کودک، بسیج شوند. در ساختار روایی شعر کودک، زبان و هجاها مکمّل همدیگر هستند و هیچ حذف و فاصله‌ایی، بنابر عدم توانایی کودک در حدس فاصله‌ها، وجود ندارد. به این معنا که پدیده‌ها در درون شعر، رابطه و پیوند علت و معلولی دارند؛ امّا این پیوستگی یک به یک نیست؛ یک پدیده شاید معلول چندین پدیده گوناگون دیگر باشد. در شعر «خوش آمدی» مصرع «قطار جان خوش آمدی» بعنوان یک علت، پاره‌های شعری بعد از خود را خلق کرده است.

قطار جان خوش آمدی از شهرهای دور دور
از راههای آشنا از دشتهای بی‌عبور
قطار جان خوش آمدی از گوشه گوشهٔ وطن
دلت پر از مسافر است جوان و پیر و مرد و زن
قطار جان خوش آمدی از پشت پرده‌های مه
صدای سوتت آشناست به گوش بچه‌های ده
قطار جان خوش آمدی به روستای خوب ما
تلق تلق بخوان قطار بخوان برای بچّه‌ها

(صمصامی، ۱۳۷۷: ص ۴)

در شعر بالا تکرار مصرع «قطار جان خوش آمدی» علاوه برغنای موسیقیایی شعر، باعث تک آوایی کردن شعر، حول محور یک پیام ساده و سبک برای کودک می‌باشد. تکرار این مصرع، انرژی ذهنی کودک را جهت درک پیام ساده شعر متمرکز می‌کند. شاعر با آگاهی کامل تکرار، مصرع را تا پایان شعر، جهت تسلسل روایی و عمودی زبان و کمک به درک کودک، ادامه می‌دهد.

شعر کودک؛ ترجیح زبان بر پیام

از دیگر ویژگی‌ها و نشانه‌های زبانی شعر کودک، ترجیح عناصر زبان بر پیام است. اگر بپذیریم که شعر به هرصورت در بردارنده پیام است، پس زبان مهمترین ابزار، برای

دریافت این پیام نیز می‌باشد. در بسیاری از شعرها اصل توازن زبان و پیام رعایت می‌شود و در بعضی دیگر ترجیح یکی از دو طرف مرجح است. در زبان شعر کودک، گفتار و شیوه پرورش کالبد زبان (ترکیب‌بندی هجاها، آواها، تصاویر زبانی، طول مصرع‌ها، غنای موسیقیایی و ...) بر گفته و پیام شعری برتری دارد؛ چراکه القای پیام ساده در قالب زبانی جذاب، موسیقیایی و تصویری است، که با ذهن کم بضاعت کودکان سازگار است. جهان بینی کودک جهان بینی منفعل از پدیده‌های در دسترس و بیرونی می‌باشد؛ از این‌رو وظیفه اصلی شعر القای عاطفه، احساس و موسیقی جهت تبدیل و بارور کردن ذهن کودک به صورت غیرمحسوس به سطح آگاهی و فاعلیّت است و ازاین رو تجویز آگاهی و پیام سنگین و انتزاعی در شعر کودک درست نیست. سرعت و ریتم تند زبان شعر کودک قابل توجّه می‌باشد. کوتاهی مصرع و استفاده از وزن‌های کوتاه، همراه با قرینه‌سازی پاره‌های شعری، باعث ریتم تند این‌گونه شعرها شده است. کوتاهی مصرع، ضرباهنگ سریع و تندی به زبان شعر کودک عطا کرده است.

کودکی ده ساله بودم / شاد و خرم
نرم و نازک / چست و چابک
با دو پای کودکانه / می دویدم همچو آهو
می‌پریدم از سر جو / دور می گشتم ز خانه ...

(گیلانی، ۱۳۸۲: ص ۱۰۱)

فاصله‌گذاری آگاهانه و کوتاهی مصرع‌ها و مقطوع بودن زبان به همراه مکث‌های توصیفی، علاوه بر توجیه استقلال و هویت ساختاری، ریتم تندی را به این شعر عطا کرده است. این سرعت زبان در غنای موسیقی نیز تاثیر گذاشته است. از این رو ما در شعر بالا موسیقی غنی را با مایه‌هایی رازآمیز امّا آمیخته با شادی، شادابی، جهت انگیزش ذهن کودک، درک می‌کنیم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نتیجه‌گیری

زبان به عنوان مهمترین ابزار هستی بخش به شعر کودک علاوه بر عناصر نحوی، واژگانی، زیرساخت، روساخت، دارای نظام‌های دیگری همچون نظام آوایی نیز هست.

استفاده از موسیقی غنی و عناصر متعدد موسیقی ساز- قافیه، ردیف‌های طولانی، تکرار، عروض، هم‌حروفی، گردش مصوّت و صامت‌ها و... و هم‌چنین استفاده از کنش تصویری زبان با استفاده از نشانگان ساده زبانی و ارجاعی است. استفاده از شخصیّت‌پردازی و محیط بیرونی و پدیده‌های طبیعی با نشان دادن خصوصیّت بیرونی این شخصیّت و تأکید بر جنبه بیرونی جهت تحمیل پیام، مهم است. شخصیّت‌پردازی در شعر کودک از ویژگی مطلق بودن برخودار است و دغدغهٔ شاعر در این مطلق‌گری، تطابق بُعد واژه‌ها و شخصیّت‌ها با مصداق درست از جهان بیرونی، جهت ملموس کردن آن با ذهن کودک است. در زبان شعر کودک توازن زبان و پیام رعایت نمی‌شود، چراکه شیوه‌های پرورش کالبد- ترکیب‌بندی و هجاها و آواها و تصاویر زبانی و طول مصرع‌ها و... - بر گفتنی‌ها و پیام شعری برتری دارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهـرسـت منـابـع

۱. احمدی، بابک؛ **۱۳۷۰، ساختار و تاویل متن**؛ نشر مرکز، چاپ دوم.

۲. حجازی، بنفشه؛ ۱۳۷۹، **ادبیات کودک و نوجوان**، نشر مرکز، چاپ سوم.

۳. راجر فالر؛ یاکوبسن و دیگران؛ ۱۳۸۱، **زبانشناسی و نقد ادبی**؛ ترجمه مریم خوزان و حسین پاینـده؛ نـشر نی؛ چاپ دوم.

۴. سایپر، ادوارد؛ ۱۳۷۶، **زبان؛ درآمدی بر سخن گفتن**؛ ترجمه علی‌محمد حق‌شناس؛ انتشارات سروش.

۵. صمصامی؛ نسرین، ۱۳۷۷، **گنجی پر از بهار**؛ انتشارات اسلامی.

۶. کدکنی، شفیعی، ۱۳۷۶، **موسیقی شعر**، انتشارات آگاه؛ چاپ پنجم.

۷. محمدی، محمد هادی؛ ۱۳۷۸، **روش شناسی نقد ادبیات کودک**؛ انتشارات سروش.

۸. ویگوتسکی. ل. س. ۱۳۸۰، **اندیشه و زبان**؛ ترجمه حبیب‌الله قاسم‌زاده؛ انتشارات فرهنگان.

۹. نیمایوشیج؛ ۱۳۷۱، **مجموعه کامل اشعار**، به کوشش سیروس طاهباز؛ انتشارات آگاه؛ چاپ دوم.

10. Deman, paul, **Allegories of Reading**, yale u.publication. 1979.

11-Laughlin MC,B. **Second-language Acquisition in childhood**, Hillsdale, New jersey: L.E.A. Publishers, 1984.New

12-Jefferson, Ann; **Russian formalism in modern literary theory**; A. 12. Jefferson & D.Robey(eds.) 2nd ed. London: Bastford Lth.1989.

13-Sapir, E: "**Language and environment**" selected writing of Edward sapir in Language, Culture, and personality.Ed. David G. Mandelbaum. Berkely and Los Angeles: University of California Press .1987.

14. Mowrer, O.H. **Learning theory and behavior**. New york: wiley, 1960.

15. Trence, Howkes, **Structuralism and Semiotic**, Reprinted by Routlege. 1989.

۱۶. **فارسی ابتدایی**؛ اوّل، دوم؛ سوم؛ چهارم ۱۳۸۰.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی